

قانون مجازات جدید سوئیس

در ماده ۲ حدودی که قانون سوئیس باید اجراء شود پیش بینی شده بطوریکه از این ماده استنباط میشود مأخذ مجازات بزهکاران تنها حاکمیت دولت نسبت بـ *بخاک* کشور نیست تا مقررات جزائی فقط نسبت باشخاصکه در داخله بزهی را مرتکب میشوند قابل اجرا باشد بلکه مبنای مجازات مصالح جامعه فرض شده بهمین جهت بقانون سوئیس برای بزه هائیکه در خارج ارتکاب شده و نتیجه آن در سوئیس ظاهر گردیده و یا بزه های بین المللی و همین طور نسبت به بزهکاری که در کشور خارجه مرتکب بزه شده و بعداً به سوئیس پناه برده است اعطاء صلاحیت شده است.

قانونگذار سوئیس باین تنها قناعت نکرده و برای احکام صادر از دادگاههای خارجه آثاری شناخته است مثلاً احکام مزبور را از نظر تعلیق و تکرار بزه مؤثر دانسته بملاوه بعضی اوقات آنها را در کشور سوئیس قابل اجرا تشخیص داده است. این خود میرساند که واضع قانون سوئیس معتقد بنظر کسانیکه میخواهند بقوانین کیفری جنبه ملی بدهند نبوده بلکه عقیده دارد که بین دول برای مجازات بزهکاران تشریک مساعی بعمل آمده تا هر گناهکاری بکیفر اعمال خود برسد و راه فراری در پیش نداشته باشد.

نحت عنوان شرایط مجازات احکام مربوط به بزه شرح داده شده است در آنجا تعریفی از آن گردیده بلکه فقط به ذکر تقسیمی قناعت شده است.

از تلیق مواد ۹ و ۱۰ معلوم میشود که قانونگذار سوئیس تقسیم سه گانه بزه را بجنایت و جنحه و خلاف انتخاب کرده و نظر قوانین جدیدتر مثل ایتالی که فقط بزه را بدو قسمت تقسیم می کنند دنبال نکرده است بابررسی زیادتری باین نکته بر میخوریم که بین احکام جنحه و جنایت تفاوت زیادی

منظور نشده است از اینجا میتوان نتیجه گرفت که مقنن بی میل نبوده تقسیم در گانه را قبول نماید و انتخاب تقسیم سه گانه از اینجهت بوده که مقررات قانون مزبور با سازمان و اصول محاکمات جزائی کاتونها موافقت داشته باشد.

سپس احکام مسئولیت جزائی ذکر شده در اینجا اشخاص حقوقی را قابل ارتکاب بزه ندانسته و برای عمل مرتکب غیر او را مسئول نشناخته اند مگر در مورد مطبوعات نسبت به مقالات بی اسم که سردبیر و متصدی چاپ و انتشار مسئول شناخته شده اند.

احکام زیادی برای مسئولیت ذکر شده و ما در اینجا فقط بشرح مقررات مربوط به اشخاص مختل المشاعر یا صغیر می پردازیم.

مقنن سوئیس در قبال کسانی که کاملاً دارای قوه تمیز هستند دو دسته دیگر شناخته یکدسته آنهائیکه مطلقاً فاقد قوه تمیز هستند دسته دیگر که قسمتی از قوه تمیز خود را از دست داده اند.

قوه تمیز در اثر اختلال دماغ یا مسمومیت یا مستی کلاً یا بعضاً از بین میرود بر حسب قانون سوئیس نقصان قوه تمیز جز در موردیکه مرتکب عمل مقدمات اختلال را ایجاد کرده باشد بر حسب مورد موجب تخفیف مجازات شده و یا مرتکب را از مجازات معاف خواهد نمود (مواد ۱۰ و ۱۱) برای اینکه بزهکار مست بدون مجازات نماند در صورتیکه کسی مست کرده و یا مخدر استعمال نموده با اندازه که مسئول اعمال خود نباشد و بزهی را در اینجا محال مرتکب شود این عمل را بزه جداگانه تشخیص داده و مجازات حبس تأدیبی یا غرامت درباره مرتکب مقرر نموده ضمناً باید باین نکته توجه کرد که مجازات در این مورد برای استعمال مسکر یا مخدری است که

منتهی بارتکاب بزه شده است بعلاوه در صورتی اعمال مجازات میشود که بمرتکب در استعمال مسکر یا مخدر بتوان تصریری متوجه نمود.

چیزی که در اینجا قابل ملاحظه است اینست که قانونگذار بیشتر نظر مجازاتی نداشته بلکه میخواهد از وقوع بزه جلوگیری نماید بهمین جهت در ماده ۱۳ مقرر کرده: بمحض اینکه نسبت بقوه تمیز متهمی تردید برای دادرس پیدا شد بوسیله کارشناس حالت دماغی او را مورد بررسی قرار می دهد و در صورتیکه مرض او محقق شد دادرس دستور میدهد که مرتکب به بیمارستان یا محل دیگری که برای معالجه تهیه شده اعزام گردد ولی اگر مرتکب خطاری برای امنیت عمومی ایجاد کند دادرس میتواند مقرر دارد که او را زندانی نمایند این اقدام وقتی بعمل می آید که مرتکب از اتباع سوئیس باشد اگر مرتکب از اتباع خارجه است در اینصورت از زندانی کردن او بمناسبت مخارجی که ایجاد می کند خودداری می نماید و در عوض امر باخراج او میدهد. اگر قانونگذار سوئیس این اختیار را بدادرس واگذار نموده و بمأمورین قوه مجریه نداده برای اینست که مقنن مزبور تصور میکند مأمورین قوه مجریه نظر بمخارجی که معالجه مبتلایان باختلال مشاعر ایجاب میکند از اقدام بآن خودداری می نمایند در صورتیکه دادرس برای اصلاح بزهرکاران و معالجه آنها از هیچ عمل مفیدی دریغ نخواهد نمود.

قانونگذار برای صغار اهمیت زیادی قائل شده و فصل مخصوصی بآنها اختصاص داده است بررسی ذر این فصل بما نشان میدهد که در اینجا نیز نظر جلوگیری از وقوع بزه رعایت شده و کمتر توجه بمجازات صغار بوده است در ماده ۸۲ تصریح شده که این قانون نسبت بصغاری که کمتر از شش سال دارند اجراء نمیشود این تصریح برای اینست که تو هم خلاف آن نشده و مأمورین تعقیبی که در انجام وظیفه خیلی تندرو هستند اینگونه اطفال را که ابدأ دارای قوه تمیز نیستند مورد تعقیب قرار ندهند.

برای مبارزه بر علیه بزهرکاری اطفالی که سن آنها بین ۱۴ و ۱۶ سال میباشد قانون مقرر کرده که در هر کانونی دادرس مخصوصی از بین دادرسان یا استادان مدارس تعیین میشود وقتی بزهری واقع شد دادرس مزبور نه تنها نسبت بآن تحقیق مینماید بلکه در اطراف حالت دماغی و جسمانی و اجتماعی طفل نیز بازجوئی می کند اگر معلوم شد بچه مریض است دادرس مقرر میدارد که اقدام بمعالجه او شود هرگاه مبتلا بختراخلای است برای اصلاح نزد خانواده فرستاده میشود اگر این اقدام هم بنظر کافی نرسید آتوقت او را به بنگاه ای تربیتی اعزام میدارد. هرگاه طفل خبط مختصری نموده باشد اقدام بتوبیخ او شده بعلاوه به تنبیه مدرسه قناعت گردیده و یا پدر و مادر او مأمور میشوند او را تنبیه نمایند در اینموارد قانون بدادرس مزبور اختیار داده تصمیمات خود را بعداً تغییر دهد و در صورت گذشتن سه ماه از تاریخ وقوع بزه تعقیب را نیز ترك نماید.

اگر سن صغیر بین ۱۳ و ۱۴ باشد در اینصورت اقدامات شدیدتری درباره او بعمل می آید زیرا در این سنین معمولاً طفل از دبستان خارج و تماس او با خانواده کم شده در این سن است که طفل کم کم بی کسب و کار میرود و اتفاقاً بیشتر فساد اخلاق او نیز از همین وقت شروع میشود بهمین جهت برای اصلاح او مقرر شده در صورت ارتکاب بزه اصولاً به بنگاههای تربیتی اعزام گردیده و استثنائاً نزد خانواده فرستاده شود اگر مورد مقتضی اعمال مجازات باشد به غرامت و یا حبس بین یکروز تا یکسال محکوم گردد. وقتی طفل به هیجده سال رسید آتوقت دیگر از جهت قضائی ممیز شناخته شده و تابع احکام کلی خواهد بود ولی چون هنوز برطبق قانون سوئیس کبیر نشده بیش بینی گردیده تا سن بیست تخفیفی در مجازات او بعمل آید.

نا تمام دکتر جلال عبده